

بازماندگان یزدگرد سوم

چراغعلی اعظمی سنگسری



تحولات اخیر در آسیای مرکزی و تجدید پیوندهای نژادی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی میان ایران و کشورهای آن منطقه مرا بر آن داشت که این سطور را دربارهٔ بازماندگان یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۲ م) که حاکی از روابط دیرین ایرانیان و مردم تاجیکستان است به رشتهٔ تحریر درآورم.

پس از انقراض سلسلهٔ اصلی ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ م) فرزندان یزدگرد تا چند دهه مدعی پادشاهی ایران بودند. بنابر اطلاعات به دست آمده از اسناد کشور چین نام و زمان روزگار آنها به شرح ذیل بوده است. (ردیف نام آنها با توجه به فهرست پادشاهان ساسانی است که در آخر همین مختصر خواهد آمد).

### فیروز سوم (۶۷۸-۶۵۱ م)

پس از عزیمت یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی (۶۵۱-۶۳۲ م) به خراسان و کشته شدن او در مرو، پسر بزرگش به نام فیروز (از بطن

مهرنگار دختر شیرویه، پاتخشازن<sup>(۱)</sup> یزدگرد) که به هنگام این واقعه در تخارستان<sup>(۲)</sup> بود خود را پادشاه ایران خواند. مورخان مطالب زیادی از او به جای نگذاشته‌اند و اطلاعات ما از او بیشتر از منابع چینی است.

وی در زمان پدر در محاربه‌ای با مسلمین در سال ۶۴۱ میلادی ناکام مانده بود. پس از یزدگرد از فغفور<sup>(۳)</sup> چین یاری خواست و دولت چین او را شاه ایران شناخت اما یاری کافی به جای نیاورد. خان‌های ترک که با او همداستان بودند خود با چین درگیر شده شکست یافتند و این سبب شد که چین فیروز را در سال ۶۶۱ میلادی به پادشاهی بر قلمرو آنان نیز بپذیرد و تمشیت قلمرو آنان را به او بسپارد. وقوع این امر همزمان با آغاز خلافت معاویه ابن ابی سفیان (۶۸۰-۶۶۱ م) بود. فیروز جایی به نام Toi lin را که در گوشه شمال شرقی افغانستان امروزی قرار داشت مرکز امارت خود ساخت. قلمرو حکومت او تا زرنج سیستان می‌رسید.

با فشار سپاهیان عرب فیروز تاب مقاومت نداشت، ناچار به تخارستان عقب نشست. از آنجا به سال ۶۷۴ میلادی سفیری به دربار چین فرستاد که با احترام پذیرفته شد. فیروز در سال ۶۷۷ میلادی در شهری به نام changngan یا singanfu آتشکده‌ای ساخت. بنابر نوشته مورخان چینی، بارها از خاقان چین یاری خواست ولی چین از درگیری با اعراب امتناع داشت و به دادن جایی به او در منطقه مرزی

۱. پاتخشازن: زن مسلط، زن اصلی.

۲. تخارستان: ناحیه‌ای در خراسان قدیم.

۳. فغفور به معنی شاه است.

چین در ترکستان اکتفا کرد و شهری به نام جی لن را به او سپرد. سپس فیروز شخصاً به دربار چین رفت و در شهر Ngan si به حضور خاقان رسید و مقام و رتبه «یاور دست راست» را برای او معین کردند. گروهی از همراهان یزدگرد در خراسان همچنان نزد او مانده بودند و برخی هم پراکنده شده به اوطان خود بازگشته بودند.

مرگ فیروز سوم به سال ۶۷۸ میلادی در زمان معاویه به وقوع پیوست. به هنگام مرگ به احتمال زیاد چهل و یک یا چهل و دو سال داشت.

شمال شرق قلمرو فیروز tzi keek (تزیکیک) خوانده می شد که همراهان فیروز در همان منطقه سکونت اختیار کردند و آنان که بعدها به او پیوستند نیز در همان جا مقیم شدند و به مناسبت نام منطقه تازیک یا تاجیک خوانده شدند. رواج و استقرار زبان فارسی در آن ناحیه از همان روزگاران و از همان هاست.

این «تازیک» نباید با کلمه «تازی» که در زبان فارسی به معنی عرب است یکی دانسته شود. گرچه ظاهراً در تلفظ مشابه به نظر می رسند اما ریشه متفاوتی دارند. کشور تاجیکستان اکنون، در منطقه شمال شرقی افغانستان فعلی واقع است. به هر حال فیروز علاوه بر معاویه، اولین خلیفه اموی، با دو تن از خلفای راشدین نیز معاصر بود.

### نرسی دوم پور فیروز سوم (۷۰۱-۶۷۸م)

نرسی در زمان درگذشت پدرش فیروز سفیر او در دربار چین بود. سه سال بعد یعنی در سال ۶۸۱ میلادی، خاقان سپاهیانی به فرماندهی «فون سنگ شیان» در اختیار او گذاشت که برای استرداد کشور از

دست رفته بکوشد. اما چنین به نظر می‌رسد که در خفاء فرمانده چینی دستور یافته بود که در مسیر لشکرکشی به سوی ایران از شهر «آن شئی» به بهانه‌ای از پیشروی امتناع ورزد و چنین هم شد یعنی این سردار و لشکر تحت فرمان او تا آن شهر آمدند اما صلاح ندیدند جلوتر بیایند. و نرسی تنها با همراهان خاص خود شتابان به تخارستان بازگشت. مدت بیست سال یعنی تا ۷۰۱ میلادی در آنجا بماند. لشکریانش که از پیشروی به سوی ایران ناامید شده بودند هریک راه خود را در پیش گرفتند و پراکنده شدند.

نرسی در همان سال در روزگار خاقان «چن لونگ» باز به چین رفت و از خاقان لقب «یاور دست چپ» یافت و همان‌جا بماند تا بمرد.

### پوشن هو (پشنگ) (۷۲۲-۷۰۱ م)

پشنگ احتمالاً یکی از فرزندان نرسی دوم است. در اسناد چینی او را «پوشن هو» خوانده‌اند. احتمال شاهی او یا بهتر بگوییم ادعای شاهی بر ایران بدان سبب است که مدرکی در اسناد چینی به تاریخ ۷۲۲ میلادی باقی است که می‌گوید وی خود را پادشاه ایران می‌خوانده است.

### خسرو پنجم (۲۹-۷۲۸ م)

در اسناد چینی به سال ۷۲۸ یا ۷۲۹ میلادی نیز از شاهزاده‌ای به نام خسرو از فرزند زادگان یزدگرد یاد شده است، که به احتمال قریب به یقین مدعی سلطنت ایران بوده است و گرنه ذکر او در اسناد رسمی چین بی‌مورد می‌نماید. به همین دلیل باید او را خسرو پنجم خواند.

از آغاز و پایان روزگار او مطلب دیگری تاکنون به دست نیامده است.

### شاهزاده ساسانی (۷۳۲ میلادی)

وی که نامش معلوم نشده است، در سال ۷۳۲ میلادی خود را پادشاه ایران خوانده است. در آن سال یک کشیش مسیحی نستوری<sup>(۱)</sup> را که به زبان چینی او را Ki Li خوانده‌اند به سفارت به دربار چین فرستاده است. گرچه از احوال و روزگار این فرزند یزدگرد نشان دیگری در دست نیست، اما همین امر نشان می‌دهد که فرزندان یزدگرد سوم پس از او به مدت هشتاد و یک سال یعنی تا ۷۳۲ میلادی در ادعای خود باقی بودند و این برابر زمان خلافت هشام ابن عبدالملک (۷۴۳-۷۲۴ م) از شاخه بنی مروان بنی امیه است.

باری مقرر فرزندان یزدگرد سوم جایی در تاجیکستان امروزی بوده است. دنباله این پژوهش را تنها با دقت وسیع‌تر و امکانات بیشتر می‌توان گرفت. فعلاً به همین جا، اصل مطلب به پایان می‌رسد. اکنون فهرست نام و مدت سلطنت و در پاره‌ای موارد القاب پادشاهان ساسانی را مذکور می‌دارم.

نام پادشاهان ساسانی در چند جدول متنوع از منابع گوناگون در آثار الباقیه عن القرون الحالیه دانشمند بزرگ اسلامی - ایرانی، یعنی ابوریحان بیرونی آمده است. با تطبیق آن جدول‌ها با شاهنامه سخن سرای بزرگ طوس، فردوسی و با مراجعه و بهره گرفتن از آثار

۱. مسیحیان نستوری از نخستین فرقه‌های مذهبی عیسوی و تابع Nestirria پاتریارح یا اسقف اعظم قسطنطنیه بودند. وی احتمالاً بین ۴۲۸ تا ۴۳۱ میلادی در این مقام بوده است.



## سلاطین ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ م)

سال حکومت (میلادی)	لقب	نام
۲۲۴-۲۴۱	گرد	۱- اردشیر پاپکان
۲۴۱-۲۷۲	---	۲- شاهپور اول
۲۷۲-۲۷۴	پهلوان	۳- هرمز اول
۲۷۴-۲۷۶	---	۴- بهرام اول
۲۷۶-۲۹۳	---	۵- بهرام دوم
۲۹۳ (چهارماه)	سکانشاه	۶- بهرام بهرامیان
۲۹۳-۳۰۲	نخجیرگان	۷- نرسی
۳۰۲-۳۰۹	کوه بد	۸- هرمز دوم
۳۰۹-۳۷۹	زوالاکتاف	۹- شاهپور دوم
۳۷۹-۳۸۳	---	۱۰- اردشیر دوم
۳۸۳-۳۸۸	---	۱۱- شاهپور سوم
۳۸۸-۳۹۹	کرمانشاه	۱۲- بهرام چهارم
۳۹۹-۴۲۱	بزهکار	۱۳- یزدگرد اول
۴۲۱-۴۳۸	بهرام گور	۱۴- بهرام پنجم
۴۳۸-۴۵۷	---	۱۵- یزدگرد دوم
۴۵۸	---	۱۶- هرمز سوم
۴۵۹-۴۸۴		۱۷- پیروز (فیروز)
۴۸۴-۴۸۸	کرمان مانک	۱۸- بلاش
۴۸۸-۴۸۹ دوره اول ۵۰۱-۵۳۱ دوره دوم	زندیک	۱۹- قباد



۴۸۹-۵۰۱	---	۲۰- جاماسب
۵۳۱-۵۷۸	انوشیروان	۲۱- خسرو
۵۷۸-۵۹۰	پهل زاد	۲۲- هرمز چهارم
۵۹۰-۶۲۸	پرویز	۲۳- خسرو دوم
۶۲۸ (هفت ماه)	شیرویه	۲۴- قباد دوم
۶۳۰ (شش ماه)	کوچک	۲۵- اردشیر سوم
۶۳۰	گوشن رسپ	۲۶- خسرو سوم پیروز
۶۳۰ (پنجاه روز)	فرائین	۲۷- گراز
۶۳۰ (شش ماه)	هویخت	۲۸- پوران دخت
۶۳۱ (چهارماه)	دادگر	۲۹- آزر می دخت
۶۳۱ (یک ماه)	خوره داد	۳۰- خسرو چهارم
۶۳۲-۶۵۱	---	۳۱- یزدگرد سوم

## اهم منابع

۱. آثارالباقیه عن القرون الحالیه، ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبردانا سرشت.
۲. طبقات سلاطین اسلام، استانلی لین پول، ترجمه عباس اقبال.
۳. شاهنامه فردوسی.
۴. آغاز تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار.
۵. ایران نامه، عباس پور محمدعلی شوشتری، مهرین، تهران، ۱۳۴۲.
۶. کارنامه اردشیر پاپکان، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۴.
۷. میراث ایران، مجموعه مقالات سیزده تن از خاور شناسان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۶.
۸. حدود العالم من المشرق الی المغرب، تألف ۳۷۲ هجری قمری.
9. The National Encyclopeda New York.
۱۰. یادداشت‌های شخصی از منابع موثق دیگر.